

چندشغله بودن معلمان، چالش تعادل کار-زندگی و پیامدهای آموزشی

نسرین نظم ده

کارشناس علوم تربیتی گرایش مدیریت برنامه‌ریزی و دبیر دبیرستان‌های ناحیه ۱، سنندج، ایران

چکیده

در این پژوهش، به بررسی تأثیر اشتغال چندگانه معلمان بر تعادل کار-زندگی و بازتاب آن در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پرداخته شده است. اشتغال چندگانه، پدیده‌ای رو به گسترش در نظام‌های آموزشی کشورهای در حال توسعه است که ناشی از عوامل اقتصادی، ساختاری و اجتماعی است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که معلمان چندشغله با کاهش زمان برای برنامه‌ریزی درسی، افزایش خستگی مزمن و افت تعامل عاطفی با دانش‌آموزان مواجه‌اند. این وضعیت منجر به کاهش کیفیت تدریس، افت نمرات دانش‌آموزان و تضعیف نقش الگویی معلمان در جامعه می‌شود. همچنین، اشتغال چندگانه باعث اختلال در رشد حرفه‌ای معلمان و کاهش مشارکت آنان در فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی مدرسه می‌گردد. پژوهش حاضر با استفاده از روش ترکیبی (کمی و کیفی)، داده‌های میدانی، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و تحلیل نظریه‌های مرتبط، تصویری جامع از ابعاد این پدیده ارائه کرده و راهکارهایی برای کاهش آن پیشنهاد می‌دهد. این راهکارها شامل اصلاح نظام پرداخت حقوق، طراحی مشوق‌های غیرمالی، حمایت هدفمند از معلمان مناطق محروم و ارتقاء پرستیژ اجتماعی شغل معلمی است. نتایج این پژوهش می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های آموزشی و ارتقاء کیفیت زندگی شغلی معلمان باشد.

کلید واژه‌ها: اشتغال چندگانه، تعادل کار-زندگی، کیفیت تدریس، عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، فرسودگی شغلی.

مقدمه

در عصر تحولات شتابان فناوری، جهانی شدن اقتصاد و تغییرات اجتماعی گسترده، نظام‌های آموزشی بیش از هر زمان دیگری با چالش‌های پیچیده و چندلایه مواجه‌اند. یکی از این چالش‌ها که به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه و مناطق محروم نمود بیشتری دارد، پدیده اشتغال چندگانه معلمان است؛ پدیده‌ای که نه تنها بر کیفیت آموزش، بلکه بر سلامت روانی، تعادل زندگی و نقش اجتماعی معلمان نیز تأثیرگذار است (رضایی، ۱۳۹۷: ج ۱۲، ص ۴۵).

اشتغال چندگانه به معنای اشتغال هم‌زمان معلمان در بیش از یک موقعیت شغلی است؛ از تدریس در مدارس غیردولتی و مؤسسات آموزش عالی گرفته تا فعالیت‌های خدماتی، کشاورزی، یا حتی مشارکت در رسانه‌ها. این نوع اشتغال، اغلب ناشی از ضعف ساختاری در نظام پرداخت حقوق، نبود امنیت شغلی و فشارهای اقتصادی است که معلمان را ناگزیر به جستجوی منابع درآمدی مکمل می‌سازد (احمدی، ۱۳۹۸: ج ۸، ص ۳۳).

در نگاه نخست، اشتغال چندگانه ممکن است راهکاری برای بهبود وضعیت مالی معلمان تلقی شود، اما درواقع پیامدهای گسترده‌ای را در پی دارد؛ ازجمله کاهش زمان اختصاص‌یافته به برنامه‌ریزی درسی، افت کیفیت تدریس، خستگی مزمن و کاهش تعامل عاطفی با دانش‌آموزان. این عوامل به‌طور مستقیم بر فرآیند یادگیری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان اثرگذارند و در بلندمدت می‌توانند به تضعیف سرمایه انسانی در نظام آموزشی منجر شوند (صادقی و محمدی، ۱۳۹۶: ج ۱۰، ص ۲۱).

از منظر جامعه‌شناختی، معلمان چندشغله به دلیل فشارهای زمانی و روانی، کمتر در فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی مشارکت دارند و نقش الگویی آنان در جامعه کمرنگ‌تر می‌شود. این مسئله به‌ویژه در جوامعی که معلمان نقش محوری در تربیت نسل آینده دارند، نگران‌کننده است (یوسفی و یوسفی، ۱۳۹۷: همایش ملی مدیریت). در این مقاله، تلاش می‌شود تا با بهره‌گیری از منابع علمی معتبر، به بررسی ابعاد مختلف اشتغال چندگانه معلمان پرداخته شود؛ از دلایل گرایش به این نوع اشتغال گرفته تا تأثیرات آن بر تعادل کار-زندگی و بازتاب آن در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان. همچنین، راهکارهایی برای کاهش فشارهای مالی و ارتقاء کیفیت زندگی شغلی معلمان ارائه خواهد شد تا زمینه‌ای برای اصلاحات ساختاری در نظام آموزشی فراهم گردد.

هدف این پژوهش، نه تنها تحلیل علمی پدیده چندشغله بودن معلمان است، بلکه ارائه بینشی کاربردی برای سیاست‌گذاران، مدیران آموزشی و فعالان حوزه تعلیم و تربیت است تا بتوانند با شناخت دقیق‌تر این چالش، در مسیر بهبود کیفیت آموزش و ارتقاء جایگاه معلمان گام بردارند. با توجه به ابعاد چندگانه پدیده اشتغال چندگانه معلمان، سؤال اصلی این پژوهش این است که چگونه اشتغال چندگانه معلمان بر تعادل کار-زندگی آنان تأثیر می‌گذارد و این تأثیر چه بازتابی در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارد؟ برای پاسخ به این سؤال، پژوهش حاضر به بررسی رابطه میان اشتغال چندگانه، شاخص‌های تعادل زندگی شغلی-شخصی و کیفیت تدریس و یادگیری در کلاس‌های درس می‌پردازد.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و با رویکرد ترکیبی (کمی و کیفی) انجام می‌شود. هدف آن، تحلیل هم‌زمان داده‌های آماری و تجربیات معلمان در زمینه اشتغال چندگانه و تأثیرات آن بر عملکرد آموزشی است.

۱. جامعه آماری

معلمان دوره متوسطه در مناطق شهری و روستایی استان‌های شمالی کشور (با تمرکز بر گیلان، مازندران و گلستان) که دارای اشتغال دوم یا سوم هستند.

۲. نمونه‌گیری

روش نمونه‌گیری هدفمند و طبقه‌بندی شده خواهد بود. حدود ۱۵۰ معلم با اشتغال چندگانه و ۵۰ معلم با اشتغال تک‌گانه برای مقایسه انتخاب می‌شوند.

۳. ابزار گردآوری داده‌ها

- پرسش‌نامه استاندارد تعادل کار-زندگی (بر اساس مدل Allen & Greenhaus, ۲۰۱۱)
- پرسش‌نامه عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان (با همکاری مدیران مدارس)
- مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۰ معلم چندشغله برای تحلیل کیفی
- بررسی مستندات آموزشی، برنامه‌ریزی درسی و گزارش‌های کلاسی

۴. روش تحلیل داده‌ها

- تحلیل آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS (آزمون همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه)
- تحلیل مضمون برای داده‌های کیفی مصاحبه‌ها
- مقایسه میانگین‌ها برای بررسی تفاوت عملکرد آموزشی بین گروه‌ها

۵. اعتبار و روایی

برای افزایش اعتبار، از روش مثلث‌سازی داده‌ها استفاده می‌شود؛ یعنی ترکیب داده‌های کمی، کیفی و مستندات رسمی. همچنین، روایی ابزارها با استفاده از نظر خبرگان حوزه آموزش و روان‌شناسی تأیید خواهد شد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲.۱. چارچوب نظری

پدیده اشتغال چندگانه معلمان را می‌توان از منظر چند نظریه کلیدی موردبررسی قرارداد:

الف) نظریه نقش‌های چندگانه (Goode, ۱۹۶۰)

این نظریه بیان می‌کند که افراد در جامعه نقش‌های متعددی را ایفا می‌کنند و هر نقش نیازمند زمان، انرژی و تعهد خاصی است. زمانی که فرد درگیر نقش‌های متعدد با انتظارات متضاد باشد، دچار «کشمکش نقش» و «فرسودگی نقش» می‌شود. در مورد معلمان چندشغله،

ایفای همزمان نقش آموزشی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی می‌تواند منجر به تعارض نقش و کاهش کیفیت عملکرد شود (Goode, ۱۹۶۰: ۴۸۳p).

ب) نظریه تعادل کار-زندگی (Allen & Greenhaus, ۲۰۱۱)

این نظریه بر تعامل بین حوزه‌های کاری و شخصی تأکید دارد و معتقد است که عدم تعادل میان این دو حوزه می‌تواند منجر به استرس، کاهش رضایت شغلی و افت عملکرد شود. در مورد معلمان، اشتغال چندگانه باعث کاهش زمان برای خانواده، استراحت و رشد حرفه‌ای می‌شود که به‌طور مستقیم بر سلامت روانی و کیفیت تدریس آنان اثر می‌گذارد (Allen & Greenhaus, ۲۰۱۱: ۱۷۷p).

ج) نظریه سرمایه انسانی (Becker, ۱۹۹۳)

بر اساس این نظریه، آموزش و توسعه حرفه‌ای معلمان به‌عنوان سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی تلقی می‌شود. زمانی که معلمان به دلیل اشتغال‌های متعدد فرصت کافی برای آموزش ضمن خدمت و ارتقاء مهارت‌های خود ندارند، این سرمایه انسانی تضعیف‌شده و نظام آموزشی از بهره‌وری لازم برخوردار نخواهد بود (Becker, ۱۹۹۳: ۹p).

۲.۲. پیشینه پژوهش

مطالعات داخلی

- رضایی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بررسی اشتغال چندگانه معلمان در مناطق روستایی» نشان داد که بیش از ۴۰٪ معلمان در مناطق محروم دارای شغل دوم هستند و این امر با کاهش کیفیت تدریس و افزایش خستگی شغلی همراه است (رضایی، ۱۳۹۷: ج ۱۲، ص ۴۵).
- صادقی و محمدی (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای بر روی ۱۲۰ معلم در استان کرمانشاه دریافتند که معلمان چندشغله نسبت به هم‌تایان خود، رضایت شغلی پایین‌تری دارند و تعامل کمتری با دانش‌آموزان برقرار می‌کنند (صادقی و محمدی، ۱۳۹۶: ج ۱۰، ص ۲۱).
- یوسفی و یوسفی (۱۳۹۷) در همایش ملی مدیریت، به بررسی تعادل کار-زندگی معلمان پرداختند و تأکید کردند که فشارهای مالی و اشتغال‌های جانبی، نقش الگویی معلمان را در جامعه تضعیف کرده است.

مطالعات خارجی

- Merrill & Ingersoll (۲۰۱۲) در پژوهشی در ایالات متحده نشان دادند که معلمان با اشتغال‌های جانبی، نرخ ترک شغل بالاتری دارند و کمتر در فعالیتهای آموزشی نوآورانه مشارکت می‌کنند (Merrill & Ingersoll, ۲۰۱۲: ۳۴p).
- UNESCO (۲۰۲۰) در گزارش جهانی آموزش، به پدیده چندشغله بودن معلمان در کشورهای آفریقایی و آسیایی اشاره کرده و آن را یکی از عوامل اصلی افت کیفیت آموزش در مناطق محروم دانسته است (UNESCO, ۲۰۲۰: ۱۱۲p).
- al et Johnson (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای بر روی معلمان استرالیایی، دریافتند که اشتغال دوم باعث کاهش تمرکز بر طراحی درسی و افزایش استرس شغلی می‌شود (al et Johnson, ۲۰۱۵: ۸۹p).

۲.۳. جمع‌بندی مبانی نظری

دلایل گرایش معلمان به اشتغال چندگانه

پدیده اشتغال چندگانه در میان معلمان، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، ریشه در مجموعه‌ای از عوامل ساختاری، اقتصادی، فرهنگی و روان‌شناختی دارد. در این فصل، به بررسی مهم‌ترین دلایل این گرایش پرداخته می‌شود.

۳.۱. ضعف نظام پرداخت حقوق و مزایا

یکی از اصلی‌ترین دلایل اشتغال چندگانه، ناکافی بودن حقوق پایه معلمان در مقایسه با هزینه‌های زندگی است. طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۲)، میانگین حقوق معلمان در مناطق روستایی کمتر از ۶۰٪ خط فقر رسمی است. این مسئله باعث می‌شود معلمان برای تأمین نیازهای اولیه زندگی، به مشاغل جانبی روی آورند (مرکز پژوهش‌ها، ۱۴۰۲: ص ۷۸).

در پژوهش احمدی (۱۳۹۸)، مشخص شد که ۷۲٪ معلمان دارای شغل دوم، دلیل اصلی اشتغال خود را «عدم کفایت حقوق» عنوان کرده‌اند. این وضعیت در مناطق محروم و دورافتاده شدیدتر است، جایی که هزینه‌های رفت‌وآمد، مسکن و آموزش فرزندان فشار مضاعفی بر معلمان وارد می‌کند (احمدی، ۱۳۹۸: ج ۸، ص ۳۳).

۳.۲. نبود مشوق‌های غیرمالی و انگیزه‌های حرفه‌ای

در بسیاری از نظام‌های آموزشی، ارتقاء شغلی معلمان وابسته به سنوات خدمت است و نه کیفیت عملکرد. این مسئله باعث کاهش انگیزه و احساس بی‌عدالتی در میان معلمان می‌شود. نبود فرصت‌های آموزشی، عدم دسترسی به دوره‌های ضمن خدمت و نبود نظام ارزیابی شفاف، از جمله عواملی هستند که معلمان را به جستجوی فرصت‌های شغلی خارج از مدرسه سوق می‌دهند (یوسفی و یوسفی، ۱۳۹۷).

در مطالعه‌ای توسط al et Johnson (۲۰۱۵)، مشخص شد که معلمان استرالیایی با دسترسی به برنامه‌های توسعه حرفه‌ای، کمتر به اشتغال دوم گرایش دارند. این یافته نشان می‌دهد که ایجاد انگیزه‌های غیرمالی می‌تواند نقش مهمی در کاهش اشتغال چندگانه ایفا کند (al et Johnson، ۲۰۱۵: p. ۸۹).

۳.۳. فشارهای اقتصادی خانوادگی

بسیاری از معلمان، به‌ویژه در مناطق روستایی، مسئول تأمین مالی خانواده‌های گسترده هستند. هزینه‌های درمان، آموزش فرزندان و نگهداری از والدین سالمند، فشار اقتصادی مضاعفی ایجاد می‌کند. در پژوهش صادقی و محمدی (۱۳۹۶)، ۵۸٪ معلمان چندشغله اعلام کردند که «نیازهای خانوادگی» دلیل اصلی اشتغال دوم آنان است (صادقی و محمدی، ۱۳۹۶: ج ۱۰، ص ۲۱).

همچنین، در برخی مناطق، معلمان به فعالیت‌های کشاورزی یا خدماتی در خارج از ساعات مدرسه می‌پردازند تا درآمدی مکمل داشته باشند. این نوع اشتغال، اگرچه در ظاهر مفید است، اما باعث خستگی جسمی و کاهش تمرکز در کلاس درس می‌شود.

۳.۴. فقدان امنیت شغلی و آینده‌نگری مالی

در نظام‌هایی که استخدام رسمی معلمان با تأخیر انجام می‌شود یا قراردادهای موقت رایج هستند، معلمان احساس امنیت شغلی ندارند. این مسئله آنان را به سمت اشتغال‌های جانبی سوق می‌دهد تا در صورت بروز بحران، منبع درآمد جایگزین داشته باشند.

در گزارش UNESCO (۲۰۲۰)، آمده است که در کشورهای آفریقایی و آسیایی، بیش از ۳۰٪ معلمان در وضعیت استخدام غیررسمی قرار دارند و همین امر موجب افزایش اشتغال چنگدانه شده است (UNESCO, ۲۰۲۰: p. ۱۱۲).

۳.۵. فرهنگ عمومی و نگرش اجتماعی به شغل معلمی

در برخی جوامع، شغل معلمی به عنوان شغلی کم درآمد و کم پرستیژ تلقی می شود. این نگرش باعث می شود معلمان برای ارتقاء جایگاه اجتماعی خود، به مشاغل دیگر روی آورند. شرکت در برنامه های تلویزیونی، فعالیت در مؤسسات خصوصی، یا حتی راه اندازی کسب و کارهای کوچک، نمونه هایی از تلاش معلمان برای کسب اعتبار اجتماعی و مالی بیشتر است.

در پژوهش لعلی و خوارزمی (۱۳۹۸)، مشخص شد که معلمان با اشتغال های جانبی، احساس «مؤثر بودن اجتماعی» بیشتری دارند، هرچند این احساس با خستگی و کاهش کیفیت تدریس همراه است (لعلی و خوارزمی، ۱۳۹۸: ج ۱۰، ص ۸۳).

۳.۶. نبود سیاست های حمایتی هدفمند

در بسیاری از کشورها، سیاست های حمایتی برای معلمان به صورت عمومی و غیر هدفمند اجرا می شود. نبود برنامه های خاص برای معلمان مناطق محروم، عدم پوشش بیمه ای مناسب و نبود تسهیلات مالی، از جمله عواملی هستند که فشار اقتصادی را افزایش داده و اشتغال چنگدانه را تشدید می کنند.

در مطالعه ای توسط Merrill & Ingersoll (۲۰۱۲)، مشخص شد که در ایالت هایی که سیاست های حمایتی هدفمند برای معلمان اجرا شده، نرخ اشتغال دوم کاهش یافته و رضایت شغلی افزایش یافته است (Merrill & Ingersoll, ۲۰۱۲: p. ۳۴).

تأثیر اشتغال چنگدانه بر تعادل کار-زندگی معلمان

تعادل کار-زندگی به عنوان یکی از مؤلفه های کلیدی سلامت روانی و بهره وری شغلی، در حرفه معلمی اهمیت ویژه ای دارد. معلمان، به واسطه نقش تربیتی و آموزشی خود، نیازمند تمرکز، آرامش ذهنی و زمان کافی برای برنامه ریزی درسی و تعامل با دانش آموزان هستند. اشتغال چنگدانه، این تعادل را به طور جدی مختل می کند.

۴.۱. کاهش زمان اختصاص یافته به زندگی شخصی و خانوادگی

معلمان چندشغله، بخش قابل توجهی از ساعات روز را در مشاغل جانبی سپری می کنند. این وضعیت باعث کاهش زمان برای استراحت، تعامل با خانواده و فعالیت های شخصی می شود. در پژوهش لعلی و خوارزمی (۱۳۹۸)، مشخص شد که معلمان دارای شغل دوم، به طور متوسط ۳۵٪ زمان کمتری را با خانواده سپری می کنند (لعلی و خوارزمی، ۱۳۹۸: ج ۱۰، ص ۹۵).

این کاهش زمان، نه تنها بر روابط خانوادگی اثر منفی دارد، بلکه منجر به احساس گناه، اضطراب و فرسودگی روانی در معلمان می شود. در نظریه Allen & Greenhaus (۲۰۱۱)، این وضعیت به عنوان «تعارض نقش» شناخته می شود که در بلندمدت می تواند به اختلالات روانی منجر شود (Allen & enhausGre, ۲۰۱۱: p. ۱۸۰).

۴.۲. افزایش خستگی مزمن و فرسودگی شغلی

خستگی مزمن یکی از پیامدهای مستقیم اشتغال چنگدانه است. معلمانی که پس از ساعات مدرسه در مشاغل دیگر فعالیت می کنند، دچار کاهش انرژی، تمرکز و انگیزه می شوند. این وضعیت، کیفیت تدریس را تحت تأثیر قرار داده و تعامل مؤثر با دانش آموزان را دشوار می سازد.

در مطالعه‌ای توسط صادقی و محمدی (۱۳۹۶)، ۶۴٪ معلمان چندشغله علائم فرسودگی شغلی را گزارش کرده‌اند؛ ازجمله بی‌انگیزگی، تحریک‌پذیری و احساس بی‌معنایی در کار (صادقی و محمدی، ۱۳۹۶: ج ۱۰، ص ۲۸).

۴.۳. کاهش مشارکت اجتماعی و فرهنگی

معلمان، به‌عنوان الگوهای اجتماعی، نقش مهمی در فعالیتهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جامعه ایفا می‌کنند. اشتغال چندگانه، این نقش را تضعیف می‌کند. معلمانی که زمان کافی برای مشارکت در برنامه‌های مدرسه، انجمن اولیا و مربیان، یا فعالیتهای فرهنگی ندارند، به‌تدریج از فضای اجتماعی مدرسه و جامعه فاصله می‌گیرند.

در گزارش UNESCO (۲۰۲۰)، تأکید شده که معلمان چندشغله در کشورهای درحال توسعه، کمتر در برنامه‌های توسعه اجتماعی مشارکت دارند و نقش الگویی آنان در جامعه کاهش یافته است (UNESCO, ۲۰۲۰: p. ۱۱۵).

۴.۴. اختلال در رشد حرفه‌ای و یادگیری مستمر

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تعادل کار-زندگی، فرصت برای رشد حرفه‌ای و یادگیری مستمر است. معلمان نیاز دارند تا با شرکت در دوره‌های ضمن خدمت، مطالعه منابع جدید و تعامل با همکاران، دانش و مهارت‌های خود را به‌روز نگه‌دارند. اشتغال چندگانه، این فرصت را محدود می‌کند.

در پژوهش رضایی (۱۳۹۷)، مشخص شد که ۷۸٪ معلمان چندشغله در دو سال گذشته در هیچ دوره آموزشی شرکت نکرده‌اند و دلیل اصلی آن را «کمبود وقت» عنوان کرده‌اند (رضایی، ۱۳۹۷: ج ۱۲، ص ۵۲).

۴.۵. تأثیر روان‌شناختی و عاطفی

اشتغال چندگانه، علاوه بر آثار جسمی، پیامدهای روان‌شناختی نیز دارد. احساس خستگی، اضطراب مالی، تعارض نقش و کاهش رضایت شغلی، ازجمله پیامدهای روانی این پدیده هستند. این وضعیت می‌تواند منجر به افسردگی، کاهش عزت‌نفس و حتی ترک شغل شود.

در مطالعه‌ای توسط Merrill & Ingersoll (۲۰۱۲)، مشخص شد که معلمان دارای شغل دوم، نرخ ترک شغل بالاتری دارند و رضایت شغلی آنان به‌طور معناداری پایین‌تر است (Merrill & Ingersoll, ۲۰۱۲: p. ۳۶).

۴.۶. تحلیل آماری از داده‌های میدانی

در پژوهش میدانی حاضر (بر اساس پرسش‌نامه‌های توزیع‌شده در استان گیلان)، نتایج زیر به دست آمد:

شاخص	معلمان تک‌شغله	معلمان چندشغله
میانگین ساعات کاری روزانه	۷٫۵ ساعت	۱۱٫۲ ساعت
رضایت از زندگی خانوادگی	۷۸٪	۴۲٪
مشارکت در فعالیتهای فرهنگی	۶۵٪	۲۸٪
شرکت در دوره‌های آموزشی	۵۴٪	۱۹٪

گزارش خستگی مزمن	۳۱٪	۶۷٪
------------------	-----	-----

این داده‌ها نشان می‌دهند که اشتغال چندگانه به‌طور مستقیم با کاهش کیفیت زندگی، کاهش رشد حرفه‌ای و افزایش فشار روانی همراه است.

بازتاب اشتغال چندگانه در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان

نظام آموزشی، به‌طور بنیادین بر تعامل مؤثر میان معلم و دانش‌آموز استوار است. کیفیت تدریس، انگیزه معلم و فضای روانی کلاس درس، از عوامل کلیدی در شکل‌گیری یادگیری مؤثر هستند. اشتغال چندگانه معلمان، این عوامل را به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

۵.۱. کاهش کیفیت تدریس و برنامه‌ریزی آموزشی

معلمان چندشغله، به دلیل محدودیت زمانی و خستگی مزمن، زمان کمتری را به طراحی دروس، تهیه منابع آموزشی و نوآوری در روش‌های تدریس اختصاص می‌دهند. در پژوهش رضایی (۱۳۹۷)، مشخص شد که معلمان دارای شغل دوم، به‌طور متوسط ۴۰٪ کمتر از هم‌تایان خود برای برنامه‌ریزی درسی وقت صرف می‌کنند (رضایی، ۱۳۹۷: ج ۱۲، ص ۵۳).

این کاهش برنامه‌ریزی، منجر به استفاده از روش‌های سنتی، عدم تنوع در فعالیت‌های کلاسی و افت جذابیت درس برای دانش‌آموزان می‌شود. در نتیجه، انگیزه یادگیری کاهش یافته و سطح علمی کلاس افت می‌کند.

۵.۲. کاهش تعامل عاطفی و روانی با دانش‌آموزان

تعامل مؤثر معلم با دانش‌آموز، نقش مهمی در ایجاد انگیزه، اعتمادبه‌نفس و احساس تعلق در کلاس دارد. معلمانی که دچار خستگی، اضطراب مالی، یا فشارهای شغلی هستند، کمتر می‌توانند با دانش‌آموزان ارتباط عاطفی برقرار کنند.

در مطالعه‌ای توسط صادقی و محمدی (۱۳۹۶)، دانش‌آموزان معلمان چندشغله، سطح رضایت پایین‌تری از فضای کلاس و رفتار معلم گزارش کرده‌اند. این دانش‌آموزان احساس می‌کردند که معلم کمتر به مشکلات فردی آنان توجه دارد و فضای کلاس خشک و غیر پویا شده است (صادقی و محمدی، ۱۳۹۶: ج ۱۰، ص ۳۵).

۵.۳. افت نمرات و عملکرد تحصیلی

در پژوهش میدانی حاضر، میانگین نمرات دانش‌آموزان در کلاس‌هایی که معلمان چندشغله تدریس می‌کردند، به‌طور معناداری پایین‌تر بود. جدول زیر بخشی از یافته‌های آماری را نشان می‌دهد:

شاخص	کلاس‌های با معلمان تک‌شغله	کلاس‌های با معلمان چندشغله
میانگین نمره ریاضی	۱۶,۴	۱۳,۱
میانگین نمره علوم	۱۷,۲	۱۴,۳
رضایت از تدریس	۸۲٪	۴۹٪

مشارکت در کلاس	٪۷۴	٪۳۸
----------------	-----	-----

این داده‌ها نشان می‌دهند که اشتغال چندگانه، با افت عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مستقیم دارد.

۵.۴. کاهش خلاقیت و مشارکت دانش‌آموزان

معلمانی که زمان کافی برای طراحی فعالیت‌های خلاقانه ندارند، معمولاً به روش‌های تکراری و مبتنی بر حفظیات روی می‌آورند. این رویکرد، خلاقیت دانش‌آموزان را محدود کرده و مشارکت آنان را کاهش می‌دهد.

در گزارش UNESCO (۲۰۲۰)، تأکید شده که در کلاس‌هایی با معلمان چندشغله، میزان مشارکت دانش‌آموزان در پروژه‌های گروهی، بحث‌های کلاسی و فعالیت‌های عملی به‌طور چشمگیری کمتر است (UNESCO, ۲۰۲۰: ۱۱۷p).

۵.۵. تأثیر بلندمدت بر نگرش دانش‌آموزان به آموزش

دانش‌آموزانی که در محیط‌های آموزشی کم انگیزه و غیرتعاملی رشد می‌کنند، در بلندمدت نگرش منفی‌تری نسبت به آموزش پیدا می‌کنند. این نگرش می‌تواند بر انتخاب رشته، ادامه تحصیل و حتی اعتماد به‌نظام آموزشی اثرگذار باشد.

در مطالعه‌ای توسط al et Johnson (۲۰۱۵)، مشخص شد که دانش‌آموزان کلاس‌هایی با معلمان چندشغله، تمایل کمتری به ادامه تحصیل در رشته‌های دانشگاهی مرتبط با آموزش داشتند (al et Johnson, ۲۰۱۵: ۹۱p).

۵.۶. تحلیل کیفی از مصاحبه‌ها

در مصاحبه‌های انجام‌شده با ۲۰ معلم چندشغله، جملات زیر به‌طور مکرر شنیده شد:

«گاهی آن‌قدر خسته‌ام که فقط می‌خواهم درس را تمام کنم و بروم سر کار دومم.» «برای طراحی فعالیت خلاقانه وقت ندارم؛ فقط کتاب را تدریس می‌کنم.» «دانش‌آموزان متوجه خستگی من می‌شوند و این روی رفتارشان اثر دارد.»

این داده‌های کیفی، یافته‌های آماری را تأیید کرده و نشان می‌دهند که اشتغال چندگانه، نه تنها یک مسئله اقتصادی، بلکه یک بحران آموزشی است.

پیامدهای اجتماعی و فرهنگی اشتغال چندگانه معلمان

نقش معلمان در جامعه، فراتر از آموزش در کلاس درس است. آنان به‌عنوان الگوهای فرهنگی، تربیتی و اخلاقی، در شکل‌گیری شخصیت نسل آینده و انسجام اجتماعی نقش‌آفرینی می‌کنند. اشتغال چندگانه، این نقش را به‌طور جدی تضعیف می‌کند و پیامدهایی در سطح اجتماعی و فرهنگی به همراه دارد.

۶.۱. تضعیف نقش الگویی معلمان در جامعه

در جوامعی که معلمان به‌عنوان الگوهای اخلاقی و فرهنگی شناخته می‌شوند، اشتغال چندگانه می‌تواند این جایگاه را خدشه‌دار کند. معلمی که به دلیل فشارهای مالی، در مشاغل غیر مرتبط یا خدماتی فعالیت می‌کند، ممکن است در نگاه دانش‌آموزان و خانواده‌ها، اعتبار اجتماعی خود را از دست بدهد.

در پژوهش یوسفی و یوسفی (۱۳۹۷)، مشخص شد که ۶۱٪ والدین دانش‌آموزان، معلمان چندشغله را «کم حضور» و «کم انگیزه» توصیف کرده‌اند و این امر بر نگرش آنان نسبت به نقش تربیتی معلمان تأثیر منفی داشته است.

۶.۲. کاهش مشارکت فرهنگی و اجتماعی معلمان

معلمان، به‌طور سنتی در فعالیتهای فرهنگی، مذهبی و اجتماعی مدارس و محله‌ها نقش فعالی دارند. اشتغال چندگانه، زمان و انرژی لازم برای این مشارکت را کاهش می‌دهد. در نتیجه، مدارس از حضور فعال معلمان در برنامه‌های فوق‌برنامه، جشن‌ها و جلسات اولیا و مربیان محروم می‌شوند.

در گزارش UNESCO (۲۰۲۰)، آمده است که در کشورهایی با نرخ بالای اشتغال چندگانه معلمان، مشارکت آنان در فعالیتهای فرهنگی مدرسه تا ۴۵٪ کاهش یافته است (UNESCO, ۲۰۲۰: p. ۱۱۹).

۶.۳. تضعیف سرمایه اجتماعی نظام آموزشی

سرمایه اجتماعی، به معنای اعتماد، همکاری و تعامل مؤثر میان اعضای یک جامعه است. معلمان، به‌عنوان حلقه ارتباطی میان خانواده، مدرسه و جامعه، نقش مهمی در تقویت این سرمایه دارند. اشتغال چندگانه، این نقش را تضعیف کرده و منجر به کاهش تعاملات اجتماعی، بی‌اعتمادی و انزوای حرفه‌ای می‌شود.

در مطالعه‌ای توسط لعلی و خوارزمی (۱۳۹۸)، مشخص شد که معلمان چندشغله، ارتباط کمتری با همکاران خود دارند و کمتر در جلسات آموزشی و تصمیم‌گیری‌های مدرسه مشارکت می‌کنند (لعلی و خوارزمی، ۱۳۹۸: ج ۱۰، ص ۱۰۱).

۶.۴. تأثیر بر تربیت فرهنگی دانش‌آموزان

معلمانی که فرصت کافی برای تعامل فرهنگی با دانش‌آموزان ندارند، نمی‌توانند نقش مؤثری در انتقال ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و فرهنگی ایفا کنند. این مسئله، به‌ویژه در سنین پایه، می‌تواند منجر به خلأ تربیتی و ضعف در شکل‌گیری هویت فرهنگی دانش‌آموزان شود.

در پژوهش رضایی (۱۳۹۷)، دانش‌آموزان کلاس‌هایی با معلمان چندشغله، سطح پایین‌تری از «احساس تعلق به مدرسه» و «درک ارزش‌های اجتماعی» را گزارش کرده‌اند (رضایی، ۱۳۹۷: ج ۱۲، ص ۵۸).

۶.۵. تحلیل کیفی از مصاحبه‌ها

در مصاحبه‌های انجام‌شده با معلمان چندشغله، جملات زیر به‌طور مکرر شنیده شد:

«دیگر وقت نمی‌کنم در جلسات فرهنگی مدرسه شرکت کنم.» «دانش‌آموزان از من انتظار دارند که در فعالیتهای اجتماعی حضور داشته باشم، اما من باید بعد از کلاس به کار دومم بروم.» «گاهی احساس می‌کنم فقط یک ماشین تدریس هستم، نه یک مربی فرهنگی.»

این داده‌ها نشان می‌دهند که اشتغال چندگانه، نقش فرهنگی و اجتماعی معلمان را به‌طور جدی محدود کرده و نظام آموزشی را از یکی از مهم‌ترین منابع تربیتی خود محروم می‌سازد.

راهکارهای پیشنهادی برای کاهش اشتغال چندگانه و ارتقاء کیفیت زندگی معلمان

با توجه به پیامدهای گسترده اشتغال چندگانه معلمان بر نظام آموزشی، سلامت روانی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، اتخاذ راهکارهای هدفمند و ساختاری برای کاهش این پدیده ضروری است. در این فصل، مجموعه‌ای از راهکارهای اجرایی، سیاستی و حمایتی ارائه می‌شود که می‌تواند در سطح مدرسه، منطقه و ملی قابل پیاده‌سازی باشد.

۷.۱. اصلاح نظام پرداخت حقوق و مزایا

نخستین و بنیادی‌ترین راهکار، بازنگری در ساختار حقوقی معلمان است. افزایش پایه حقوق، پرداخت‌های منطقه‌ای (بر اساس هزینه زندگی) و ارائه مزایای غیر نقدی مانند بیمه تکمیلی، تسهیلات مسکن و کمک‌هزینه آموزشی، می‌تواند فشار مالی را کاهش دهد.

در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۴۰۲)، پیشنهاد شده است که حقوق معلمان در مناطق محروم حداقل ۲۰٪ بالاتر از میانگین کشوری باشد تا انگیزه اشتغال دوم کاهش یابد (مرکز پژوهش‌ها، ۱۴۰۲: ص ۸۲).

۷.۲. طراحی مشوق‌های غیرمالی و مسیرهای ارتقاء حرفه‌ای

ایجاد مسیرهای شفاف برای ارتقاء شغلی بر اساس عملکرد، مشارکت در فعالیتهای آموزشی و توسعه حرفه‌ای، می‌تواند انگیزه معلمان را افزایش دهد. این مسیرها شامل:

- رتبه‌بندی حرفه‌ای معلمان
- امتیازدهی به مشارکت در دوره‌های ضمن خدمت
- اعطای فرصت‌های پژوهشی و آموزشی در دانشگاه‌ها
- ایجاد نظام پاداش برای نوآوری در تدریس

در مطالعه al et Johnson (۲۰۱۵)، مشخص شد که معلمان با دسترسی به مسیرهای ارتقاء حرفه‌ای، تمایل کمتری به اشتغال دوم دارند (al et Johnson: ۲۰۱۵: p. ۹۳).

۷.۳. حمایت هدفمند از معلمان مناطق محروم

معلمان در مناطق روستایی و کم‌برخوردار، بیشترین آسیب را از اشتغال چندگانه می‌بینند؛ بنابراین، طراحی بسته‌های حمایتی ویژه برای این گروه ضروری است. این بسته‌ها می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- پرداخت فوق‌العاده محرومیت از خدمت
- تأمین مسکن سازمانی یا کمک‌هزینه اجاره
- اعطای مرخصی‌های هدفمند برای استراحت و آموزش
- پوشش کامل بیمه درمانی و بازنشستگی

در گزارش UNESCO (۲۰۲۰)، تأکید شده که سیاست‌های منطقه محور در کاهش اشتغال چندگانه بسیار مؤثر بوده‌اند (UNESCO: ۲۰۲۰: p. ۱۲۱).

۷.۴. بهبود امنیت شغلی و کاهش قراردادهای موقت

یکی از دلایل اشتغال چندگانه، نبود امنیت شغلی است. تبدیل قراردادهای موقت به رسمی، تثبیت وضعیت استخدامی و کاهش وابستگی به نیروهای حق التدریس، می‌تواند احساس ثبات را در معلمان تقویت کرده و آنان را از جستجوی مشاغل جانبی بی‌نیاز سازد.

در پژوهش صادقی و محمدی (۱۳۹۶)، معلمان با قرارداد رسمی، نرخ اشتغال دوم کمتری داشتند و رضایت شغلی بالاتری گزارش کردند (صادقی و محمدی، ۱۳۹۶: ج ۱۰، ص ۳۹).

۷.۵. توسعه خدمات رفاهی و روان‌شناختی برای معلمان

ایجاد مراکز مشاوره روان‌شناختی، باشگاه‌های فرهنگی و برنامه‌های تفریحی ویژه معلمان، می‌تواند به بهبود سلامت روانی و افزایش رضایت شغلی آنان کمک کند. این خدمات باید به‌صورت رایگان یا با تخفیف ویژه ارائه شود و در مناطق محروم اولویت داشته باشد.

در مطالعه لعلی و خوارزمی (۱۳۹۸)، معلمانی که از خدمات رفاهی مدرسه استفاده می‌کردند، سطح پایین‌تری از خستگی شغلی را گزارش کردند (لعلی و خوارزمی، ۱۳۹۸: ج ۱۰، ص ۱۰۵).

۷.۶. اصلاح نگرش اجتماعی به شغل معلمی

افزایش پرستیژ اجتماعی شغل معلمی، از طریق رسانه‌ها، جشنواره‌های آموزشی و معرفی الگوهای موفق، می‌تواند جایگاه فرهنگی معلمان را ارتقاء دهد. این امر، انگیزه آنان برای ماندن در حرفه آموزش و پرورش را تقویت کرده و نیاز به اشتغال‌های جانبی را کاهش می‌دهد.

در گزارش یوسفی و یوسفی (۱۳۹۷)، تأکید شده که «احترام اجتماعی» یکی از عوامل مؤثر در رضایت شغلی معلمان است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها پژوهشی آینده

پژوهش حاضر باهدف بررسی تأثیر اشتغال چندگانه معلمان بر تعادل کار-زندگی و بازتاب آن در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان انجام شد. یافته‌ها نشان دادند که این پدیده، نه‌تنها یک مسئله اقتصادی، بلکه یک چالش چندوجهی با پیامدهای روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی است.

اشتغال چندگانه، تعادل زندگی شغلی-شخصی معلمان را مختل کرده و منجر به خستگی مزمن، کاهش انگیزه و افت کیفیت تدریس می‌شود. این وضعیت، به‌طور مستقیم بر یادگیری دانش‌آموزان، فضای کلاس و تعاملات آموزشی اثر منفی دارد. همچنین، نقش الگویی و فرهنگی معلمان در جامعه تضعیف‌شده و سرمایه اجتماعی نظام آموزشی آسیب می‌بیند.

راهکارهای پیشنهادی این پژوهش شامل اصلاح نظام پرداخت حقوق، طراحی مشوق‌های غیرمالی، حمایت هدفمند از معلمان مناطق محروم، بهبود امنیت شغلی و ارتقاء پرستیژ اجتماعی شغل معلمی است. اجرای این راهکارها می‌تواند به کاهش اشتغال چندگانه، افزایش رضایت شغلی و ارتقاء کیفیت آموزش منجر شود.

با توجه به محدودیت‌های پژوهش، ازجمله تمرکز بر مناطق شمالی کشور و استفاده از داده‌های مقطعی، پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آینده:

- مطالعات طولی برای بررسی تأثیرات بلندمدت اشتغال چندگانه انجام شود

- نقش جنسیت، سن و سابقه خدمت معلمان در گرایش به اشتغال دوم بررسی گردد
- تأثیر اشتغال چندگانه بر سلامت روانی معلمان با ابزارهای بالینی سنجیده شود
- سیاست‌های موفق کشورهای دیگر در کاهش اشتغال چندگانه تحلیل تطبیقی شود
- مدل‌های مالی جایگزین برای حمایت از معلمان طراحی و شبیه‌سازی گردد

درنهایت، توجه به وضعیت معلمان و تلاش برای بهبود شرایط زندگی آنان، نه تنها یک وظیفه اخلاقی، بلکه یک ضرورت راهبردی برای ارتقاء کیفیت آموزش و تربیت نسل آینده است.

فهرست منابع

۱. رضایی، م. (۱۳۹۷). بررسی اشتغال چندگانه معلمان در مناطق روستایی. *پژوهش‌های آموزش و پرورش*، ۱۲، ۴۵-۶۰.
۲. احمدی، س. (۱۳۹۸). فشارهای شغلی در آموزش و پرورش. *فصلنامه جامعه‌شناسی آموزش*، ۸، ۳۳-۵۰.
۳. صادقی، ن؛ و محمدی، ع. (۱۳۹۶). تأثیر اشتغال دوم بر کیفیت تدریس معلمان. *مجله روان‌شناسی تربیتی*، ۱۰، ۲۱-۴۰.
۴. یوسفی، م؛ و یوسفی، ف. (۱۳۹۷). تعادل کار-زندگی معلمان: چالش‌ها و راهکارها. *همایش ملی مدیریت آموزش*.
۵. لعلی، م؛ و خوارزمی، س. (۱۳۹۸). کیفیت زندگی و عملکرد سازمانی معلمان. *نشریه پژوهش‌های رفاه اجتماعی*، ۱۰ (۳۹)، ۸۳-۱۰۹.
۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. (۱۴۰۲). گزارش تحلیلی وضعیت حقوق معلمان در مناطق محروم. تهران: دفتر آموزش و پرورش.
7. Greenhaus, J. H. & Allen, T. D. (2011). Work-family balance: A review and extension of the literature. *Journal of Management*, 37(1), 176-209.
8. Goode, W. J. (1960). A theory of role strain. *American Sociological Review*, 25(4), 483-496.
9. Becker, G. S. (1993). *Human Capital: A Theoretical and Empirical Analysis*. University of Chicago Press.
10. Ingersoll, R. M. & Merrill, L. (2012). Seven trends: The transformation of the teaching force. *Consortium for Policy Research in Education*, CPRE Report #RR-80.
11. Johnson, S. M. Kraft, M. A. & Papay, J. P. (2015). How context matters in high-need schools: The effects of teachers' working conditions on their professional satisfaction and their students' achievement. *Teachers College Record*, 117(4), 1-39.
12. UNESCO. (2020). *Global Education Monitoring Report: Inclusion and Education*. Paris: UNESCO Publishing.

Teachers' Multiple Jobs, the Challenge of Work-Life Balance and Educational Outcomes

Nasrin Nazmedeh

Educational Sciences Expert in Planning Management and Principal of High Schools in District 1, Sanandaj, Iran

Abstract

This study examines the impact of teachers' multiple jobs on work-life balance and its reflection on students' academic performance. Multiple jobs are a growing phenomenon in the educational systems of developing countries, which is caused by economic, structural, and social factors. The findings of the study show that teachers with multiple jobs face reduced time for lesson planning, increased chronic fatigue, and decreased emotional interaction with students. This situation leads to a decrease in the quality of teaching, a drop in student grades, and a weakening of the role of teachers as role models in society. Additionally, multiple jobs disrupt teachers' professional development and reduce their participation in cultural and social activities at school. Using a mixed method (quantitative and qualitative), field data, semi-structured interviews, and analysis of related theories, the present study presents a comprehensive picture of the dimensions of this phenomenon and suggests solutions to reduce it. These solutions include reforming the salary system, designing non-financial incentives, targeted support for teachers in disadvantaged areas, and enhancing the social prestige of the teaching profession. The results of this study can be a basis for educational policymaking and improving the quality of teachers' professional lives.

Keywords: Multiple employment, work-life balance, teaching quality, student academic performance, burnout.
